

تبصره بر نوشته دانشمند محترم داکتر حیدر

نوشته پر محتوای دانشمند محترم داکتر حیدر به هفته نامه امید شماره ۷۴۹ به نشر رسید مانند همیشه مضمون شان را باعلاقه زیاد مطالعه نمودم قبل از اینکه در مورد مضمون اخیر شان تبصره داشته باشم با نیست به صراحت یاد آور شوم که نوشته های داکتر صاحب حیدر خیلی آموزنده و حاکی از خلوص نیت و پاکی قلب است که در ترقی و تعالی وطن آرزو داشته و همیشه وطنداران را به همبستگی ملی دعوت و از طرفداران سر سخت عدالت اجتماعی در کشور است و من به دانش و شخصیت شان ارادت دارم.

ولی با بعضی نکات نوشته شان مطابقت فکری نداشته و خواستم بعضی نقاطی را که برایم به اصطلاح قابل هضم نیست با یک تبصره کوتاه توجه شان را در مورد جلب نمایم اما قبل از اینکه نظر خود را خدمت شان ارائه بدارم یک پیش آمد واقعی کوچک را که بر من اثر مهم روحی گذاشت خدمت عرض کنم: تقریباً بیست سال قبل یکی از راپورتر های تلویزیون در شهر نیویارک از یک شخصیت یهود چنین سوال نمود: "آیا شما یهودی هستید یا امریکائی؟". مرد یهود در جواب گفت که اول من امریکائی استم بعد یهود، این شخص ملیت خود را نسبت به دین خود مقدم تر دانست!! اگر امروز از من کسی این سوال را بکند من هم با کمال افتخار میگویم که اول من افغان ام و بعد به یک قوم و مذهب ارتباط میگیرم و این موضوع را از سببی تذکرادم که حب بی شائبه وطن در قلب من نهفته است و از ویرانی، فقر و بی سوادی ملت بیچاره رنج میبرم و به همه اقوام کشور احترام داشته، آرزوی من همیشه همبستگی ملی توأم با عدالت اجتماعی بوده و همچنان به تاریخ درخشان کشور خود مفتخرم و اینکه شما نژاد آریائی و یا سرزمین آریانا، خراسان بزرگ را واقعات برد خور چندین هزار ساله خوانده و همه را افسانه پنداشته اید به نظر من اینطور نیست، تحلیل شما به این میماند که کشور مصر امروز ادعا کند که ما مصری هستیم و به زبان عربی که توأم با دین اسلام از شبه جزیره عربستان وارد شده صحبت میکنیم و فعلاً مسلمان استیم و ما را به تاریخ چندین هزار ساله این سر زمین چکار! این فرعون ها و این آبدات و آثار تاریخی برای ما کدام ارزشی ندارد و در این ظرف شش هزار سال خیلی تحولات در این سرزمین آمد گریک ها آمدند و رفتند، روم و کارتاژ آمدند و رفتند، ترک ها و انگلیس ها همه آمدند و رفتند و همچنان چینائی ها ادعا کنند که در سر زمین چین هزارها سال قبل مغل ها آمدند دود مان ها و دیناستی های هان و چین آمد و رفت و ما را به گذشته های چندین هزار ساله چه ارتباط همه افسانه بود و دیوار چین را نیزکه منظور دفاع هجوم بیگانه نگان چند هزار سال قبل تعمیر شد دیگر ارزش تاریخی نداشته و برد چین امروز نمی خورد و یا اروپای کهن که شما و من مدت زیادی را در این قاره سپری و تحصیل نمودیم به تاریخ و ارزش های کلتوری اجتماعی اروپا آشنایی داریم افتخارات گذشته و تاریخ خود را بکلی نفی کنند.

افغانستان افتخارات تاریخی چند هزار ساله دارد که غنایم کلتور و فرهنگ ما است، میراث مشترک همه اقوام افغانستان است و برای من این قابل قبول نیست که ادعا شود کدام آریائی ها؟ کدام خراسان بزرگ؟ کدام غزنوی ها و کدام کوشانی ها، تیموریها و ابدالی ها، این واقعات سرنوشت ساز تاریخی است نه افسانه و هریک از این تمدن ها اثرات مهم کلتوری، اجتماعی و سیاسی خوب و یا خراب از خود در این سرزمین بجا گذاشته اند و از اینکه جرمن ها که از بلخ باستان مرکز تمدن آریائی هزار ها کیلومتر فاصله داشته و خود را به قوم آریائی جا زدند و بنام نژاد آریین در اروپا سوء استفاده های سیاسی و نظامی نمودند خود بیان گران است که آریائی ها و سرزمین آریانا تاریخ خیلی درخشان داشته اند که یک کشور بزرگ اروپا خود را به این قوم سربلند و با کلتور پیوند داده اند، و این از سهل انگاری، بی تفاوتی و سطح پایان دانش ملت ما بوده که نتوانستیم افتخارات تاریخی خود را توسط نوشته ها، تحقیقات و تتبعات و کاوش ها به جهان معرفی داریم. مهد تمدن درخشان سر زمین آسیای میانه شهر های بلخ، غزنی، هرات و نیشاپور بوده که صرف یک نیشاپور به ایران قرار دارد ولی سه شهر با عظمت و درخشان کلتوری تعلق به کشور ما دارد و ما متأسفانه قادر به این نیستیم که از افتخارات و مباحث گذشته تاریخی خود دفاع کنیم و در این مورد قطعاً از نگاه علمی و ادبی نه تنها کاری از پیش برده توانستیم بل یک اتحاد نظر به ارزش های تاریخی نداشته و مزید بر آن آنرا قصه و افسانه میسازیم، حال یک کشور دیگر مانند ایران صدها نه بلکه هزار ها کتب، رساله ها، کاوش های علمی و تاریخی را در مورد آریانا و خراسان به نشر رسانیده و تاریخ ایران را بکلی یکصد و هشتاد درجه دور داده آریانا و خراسان را میراث نیکان خویش دانسته و کشور افغانستان، تاجکستان، سمرقند، بخارا و خیوا را بی تاریخ و بی کلتور جلوه میدهند.

مزید بر آن در مورد کلمه افغانستانی اشاره نمودید که یک تعداد می‌خواهند نام افغانستان را تغییر دهند در این مورد با یست تذکر داد که تغییر نام یک کشور به گفت چند نفر کار آسانی نیست. ما یک قانون اساسی داریم و افغانستان نام کشور ما است و این مربوط به نظرم، شما و کسانی که طرفداری از تغییر نام کشور دارند نیست این تعلق به ملت افغانستان است و من یقین دارم که در صورت یک رفرندم عمومی اهداف طرفداران "افغانستانی" بر آورده نخواهد شد و من سر خود را به نظریات این و آن بپردازم نمی آورم و این گونه مشاجرات لفظی به اتحاد ملی خدشه وارد ساخته و باید در عوض سعی شود که در مورد پروپلم های بی شمار که کشور جنگ زده ما به آن دست و گریبان است صدای خویش را به حیث یک افغان به گوش نا شنوای کدر رهبری افغانستان توسط نوشته ها و صحبت ها درگرد همائی ها برسانیم و رسالت ملی خود را برآورده سازیم.

در مورد اینکه استفاده اصطلاحات و کلمات فارسی را که از کتب، نشرات و موسسات فرهنگی ایران اخذ و آنرا به نشرات فارسی دری می‌کنند و شما آنرا بطور قهر آمیز "هجوم خزنده لغات و کلمات و یا واژه های ایرانی" تذکر داده و آنرا "یک نوع امپر یالیسم فرهنگی بعضی مراکز فرهنگی خارجی" توجیه کردید در این مورد بانیست اظهار نمود :

اول : استاد واصف باختری ادیب، شاعر و زبان شناس معروف فارسی زبان فارسی را یک فارسی میداند و برای اینکه از ملت های دیگر متمایز باشیم زبان خود را به فارسی پهلوی، فارسی دری، فارسی تاجکی و فارسی سمرقندی بطور مصنوعی تصنیف کردیم، لهجه ها از همدیگر کمی متفاوت اند ولی استعمال بعضی کلمات که در جامعه فارسی زبان ها ایجاد گردیده شاید زاده و پرداخته محیط همان کشور باشد که در کشور فارسی زبان دیگر نا مانوس است اما از نگاه ساختمان گرامر صرف و نحو، دستور و قواعد زبان فارسی تفاوتی وجود ندارد. و نظر به احساس ناسیونالیستی که کشور های هم زبان و بخصوص همسایه و دیگر تفاوت های کوچک کلتوری مانند عرف، عادات ،اقتصادو حتی مذهب دارند می‌خواهند که از ملیت های دیگر متفاوت باشند و احساس ناسیونالیستی و حسادت کلتوری در کشور های عقب مانده و یا کشورهای روبه انکشاف به مراتب قوی تر است نسبت به کشور های پیشرفته اقتصادی اروپا، زبان فرانسوی و همچنان آلمانی در چندین کشور صحبت میشود زبان آلمانی که درسویس و اطریش صحبت میشود عین همان زبان درکشور آلمان با کمی تفاوت لهجه صحبت میشود و هیچ وقت کشور های متذکره شکایت از این نداشته اند که چرا کلمات و اصطلاحات آلمانی به اصطلاح بیگانه اطریشی در محاوره و نشرات آلمانی هجوم آورده برخلاف از نویسندگان، هنر مندان، نقاشان و کمپوزر های موزیک گذشته و امروز که میراث مشترک سرزمین آلمانی زبان است قدردانی میکنند.

دوم : هجوم به اصطلاح خزنده و یا اشکار لغات بیگانه در زبان ها از قدیم الایام وجود داشته در اثر تهاجم عرب ها در آسیای میانه در زبان فارسی تغییر فاحش آمد که ما تا امروز قادر نشده ایم که کلمات عربی را با کلمات فارسی تعویض کنیم، زبان فارسی که قبل از تهاجم اعراب در سرزمین فارسی زبان کشور های آسیای میانه صحبت میشد بکلی متقاربت از فارسی امروز است، ایرانی ها سعی دارند که به قول خود شان فارسی را سچ ساخته و کلمات عربی را از زبان فارسی بردارند و یک دلیل عمده رقابت های سیاسی و اقتصادی در کشور های اطراف خلیج فارس و تفاوت های نژادی و نظریات باطنی است که بین عرب و عجم فارسی وجود دارد.

سوم : هر کشور همسایه که از نگاه اقتصادی و سیاسی نسبت به کشور دیگر پیشرفته تر باشد خوا مخوا تحت تاثیر کلتور، زبان و رسم رواج کشور های همسایه قوی قرار میگیرد، افغانستان مدت سی سال است که با روسیه شوری و بعد جنگ های داخلی و بالاخره هجوم پاکستان تحت پوشش طالبان کشور ما را بلعیده و همه زیر بنای اقتصادی و اجتماعی ما از بین رفت و حال کشور ما مانند طفلی است که تازه تولد شده و شیوه راه رفتن رامیآموزد مدت زیاده از بیست سال است که شش ملیون افغان به پاکستان و چهار ملیون دیگر به ایران بشکل مهاجر زندگی نموده و افغانها در این دو کشور تولد شده زبان، کلتور و طرز روش شان بکلی یا پاکستانی است و یا ایرانی و هر روند اجتماعی ما را مهاجرین برگشته با پاکستان و ایران مقایسه میکنند و اقتصاد ما تحت کنترول پاکستان و ایران است و حتی نفوذ سیستم معماری پاکستان در ساختمان تعمیرات رهائشی ما نفوذ نموده، ساحه وزیر اکبر خان زمانی دارای بهترین منازل با نقشه های مدرن تعمیراتی بود ولی امروز تعمیرات سیستم پاکستانی که دارای کتاره های که رنگ سبز و سرخ بدور تعمیر بناه شده و تعمیرات بشکل یک بام بتی بالای بام بتی دیگر آباد که به کراهت منظر وزیر اکبر خان افزوده و ما مشاهده میکنیم که تنها تغییرات در زبان فارسی بل در فرهنگ و کلتور، آداب معاشرت و حتی صنعت معماری ما نفوذ نموده.

چهارم : در شرایط امروزی وسایل ارتباطات جمعی، اطلاعات الکترونیکی مانند اینترنت، پروگرام های تلویزیون آنقدر سریع توسعه یافته و نشرات مطبوعاتی و تلویزیونی از ساحه ملی به نشرات بین المللی تبدیل و برای وسعت ساحه شنوندگان و بینندگان خویش به رقابت برخاسته و سعی دارند که پروگرام های جالب، اخبار و روش های کلتوری، سیاسی و فرهنگی خویش را در خارج از سرحدات کشور توسط ماهواره های اطلاعاتی به هر کشوری که خواسته باشند میفرستند و این انقلاب الکترونیکی و اطلاعاتی مفهوم سرحد و ملت و مملکت را به تدریج از بین برده و خواهند برد و کشور های دنیا از ساحه بین المللی یک قدم دیگر فراتر گذاشته روابط شان بین العرضی شده و خود بخود در زبان ها یک ارتباط بین البینی خلق شده و همه از این پیشرفت اطلاعاتی، فرهنگی و آزادی اندیشه به معنی واقعی آن بخصوص کشورهای عقب مانده مانند افغانستان مستفید خواهند شد.

پایان